



کسب

نمره هشتاد و هفتم / اردیبهشت ماه ۹۷

تحلیل شخصیت سریال آنام

خلاقت تلویزیون

در خلق بدبختی‌های خلاقانه ستودنی است!

رابطه کلیشه‌ای شدن سریال‌های تلویزیون با عقب افتادن قسط و اجاره خانه نویسنده‌ها



را کم دارد! اما برای اینکه معلوم شود لیاقت داماد از پولش مهمتر است از اول سریال تا آخر بی‌پولی‌اش بر سرش کوبانده می‌شود. آقای ثروتیان رو به روز به مقامات بالاتری ارتقا می‌یابد... **آفرین، دختر آقای ثروتیان:** نکته آموزنده فیلم این است که پدر خانواده دختر اولش را که می‌دزدند خدا بچه دیگری به او می‌بخشد. آفرین دختر باصالت و دارای نژاد اصیل ثروت است. با تکرار جمله «من از اون دخترها نیستم که حد و حدود خودم را نشناسم» چندین بار در سکانس‌های مختلف با پسر مارال خانم در حال گفتگو و گپ زدن است و حتی گوش شیطان کر از یک پارتنی هم سر درمی‌آورد که به گوش شیطان سمعک، از بس خواستگار زیاد دارد گول خورده و برای نجات خودش اتفاقی شماره ۱۰ پسر را می‌گیرد. به هر حال از قدیم گفته‌اند که ثروت، ثروت را می‌کشد!

آفرین از آن دخترهایی است که بین تقابل ثروت و پسر گیر کرده است. در فیلم، پسر فعلا جهت آب‌بندی به سریال از گفتن اینکه من، تو و تشکیلات را یکجا می‌خرم معذور است و قهرمانانه ادای پسر را لیاقت ولی بی‌پول را بازی می‌کند.

بدرصد: متعهد و مثبت است. آن قدر بچه‌هایش مرده به دنیا آمده‌اند که یواش یواش مخاطب قانع می‌شود که بگوید تورو خدا برو بچه مارال را برادر واسه خودت. آقای ثروتیان در اول‌های سریال به این اسم صدا نمی‌شود. فقط اسم کوچکش را صدا می‌زند، مثلا می‌گویند: تو مر تضاپی؟ چند بزرگ شدی ننه... ولی در آخر فیلم دیگر مدبرعامل شده و ضمن اینکه بسیار مومن و متعهد است، دارای ثروت بسیاری نیز هست و اینگونه هر چند ثروتش بیشتر می‌شود فامیلی‌اش به او می‌آید. این مرد با خانواده خود در خانه چند صد متری با خوشی گل می‌کوبند و بلبل می‌شنوند. بیننده همیشه در حسرت این زندگی لاچگری است که بگوید می‌بیندای دل غافل بچه مال او نیست و تعجبی هم نمی‌کند. یاد فیلم هندی‌هایی که یکدیگر را تکه‌پاره می‌کردند و آخر سر که کف و خون بالا می‌آوردند یک خال روی بدن داداششان می‌دیدند و غیره به خیر باد!

آقای ثروتیان دخترش که مال او نیست را به یک پسر از یک خانواده فقیر داده و پروبالش را هم گرفته است. خانه دختر در حد و اندازه کاخ سفید است فقط ترامپ

بررسی دلایل طلاق زوج‌های ایرانی

زن همسایه قدبلندتر است!

بر اساس آمار سازمان ثبت احوال در ۹ ماه ابتدای سال ۱۳۵،۹۶ هزار طلاق در کشور ثبت شده است که در این میان تعداد زیادی از زوجین پیش از رسیدن به سالگرد ازدواج، از یکدیگر جدا شده‌اند. این یعنی هر ساعت ۲۰ طلاق به راحتی آب خوردن در کشور ما رخ می‌دهد، احتمالا اینطوری: مورد اول: زن از مرد می‌خواهد که آشغال‌ها را دم در بگذارد تا خانه بو نگردد. مرد می‌گوید تازه فوتبال شروع شده و بین دو نیمه این کار را می‌کند. بین دو نیمه ماشین حمل زباله رفته است و آشغال‌ها تا صبح در خانه می‌ماند و خانه بو می‌گیرد. زن فردا صبح درخواست طلاق می‌دهد!

مورد دوم: مرد به زن می‌گوید که این ماه از نظر اقتصادی کمی دچار مشکل شده است و باید چهار، پنج روز مانده به پایان ماه را صرفه‌جویی کنند. ولی زن فردا صبح مقداری خرید می‌کند. مرد زن را طلاق می‌دهد!

مورد سوم: مرد از سر کار به خانه برمی‌گردد. زن هنوز ظرف‌های شام دیشب را نشسته است. مرد زن را طلاق می‌دهد!

مورد چهارم: مرد نمی‌تواند برای روز زن گردنبدن دلخواه او را بپوشد بخرد اما فریبزیر پسر اشرف خانم برای زنش گردنبدن دلخواهش را خریده. زن درخواست طلاق می‌دهد!

مورد پنجم: خانواده مرد شام می‌آیند. زن درخواست طلاق می‌دهد!

مورد ششم: زن همسایه قد بلندتر است. مرد زن را طلاق می‌دهد!

مورد هفتم: مرد زن را طلاق می‌دهد! همین جوری بی‌دلیل!



پیشنهادهایی برای کاهش طلاق در جامعه

عوارض طلاق بگیرید!

کزن: با توجه به آمارهای اخیر در رابطه با روند رو به افزایش طلاق در کشور به نظر می‌رسد که لازم است با انجام راهکارهایی، شاهد روند رو به کاهش طلاق باشیم. در ذیل به تعدادی از این راهکارها اشاره می‌کنیم:

- ۱- با توجه به روند صعودی تعداد سکه‌ها در مهریه و نیز قیمت دلار، کفایت دولت مثل گذشته دست روی دست بگذارد و کاری به کار دلار نداشته باشد! بررسی‌ها در هفته‌های اخیر نشان می‌دهد در روزهایی که دلار شش هزار تومان دارد کرده بود آمار طلاق به صفر رسید! بنابراین با افزایش قیمت دلار و به دنبال آن بالا رفتن قیمت همه‌چی (!) می‌توان امیدوار بود نه تنها آمار طلاق کاهش یابد بلکه دیگر ازدواجی نداشته باشیم!
- ۲- علاوه بر قطع یارانه و سود سهام عدالت دولت می‌تواند برای جبران کمبودهای موجود عوارض و مالیات بر ارزش افزوده طلاق دریافت کند! به این ترتیب هیچ بخت بر گشته یارانه قطع شده سود سهام عدالت نگرفته‌ای عمرا خیال طلاق به سرش برزند!
- ۳- با توجه به عللی همچون نداشتن سیکس پک، بلد نبودن PS۴، بی‌توجهی به اهمیت هم‌رنگ بودن ماتو و دستمال توی جیب کت در اولین مهمانی مشترک، عدم پایبندی به رسم کهن خرید خرس در روز ولنتاین و غیره برای طلاق طی سال‌های اخیر از آنجا که برای آموزش و پرورش و علوم زحمت می‌شود لطفا خودتان لایه‌لای کلاس‌های کنکور فرزندان‌تان را با روش‌های زندگی در فضای غیر مجازی آشنا کنید!
- ۴- چشم‌هایتان را بشوید و جور دیگر ببینید! طلاق نه تنها چیز بدی نیست بلکه خیلی هم خوب است و گزینه کشورهای متممن و پیشرفته جهان مثل فرانسه و آمریکا اینقدر در این زمینه پیشرفت نمی‌کردند و آمار طلاق‌شان سر به فلک نمی‌کشید!

بیارستما تا ز ایران رویم!

شندیدم که در روز گاران پیش از این ور شغادی ز اهریمان به هر گوشه رستم گلاویز بود یکی از همان دشمنان خبیث - فقط عاشق یار بیگانه بود بگفتا به رستم، همان جامه خیس بیار رستما تا ز ایران رویم که اینجا نباشد تو را زندگی گذاریم در خانه پا روی پا در آنجا تو خوشتیپ و مانکن شوی بیامد جوابیه ای اینچنین نه، من در پی کار ایرانی ام نباشم به پیل غریبه سوار بچنگم به کار و به تولید و تیغ منم من همان رستم پیل تن زره را ز تولید اینجا خرم نپوشم به تن جامه از جنس نایک به تن کرد باید لباس تمیز تو هم جامه از جنس داخل بخر شنیدم که بابای من زال گفت، عمیقاً مرا این سخن باور است:

دل رستم از دشمنان بود ریش از آن ور دو تا دیو و گرز گران اگر دشمنش گردد و گرز بود که از ترس رستم شدش جامه خیس تو گویی که همکار بیگانه بود- بیا پول خود را به من ده خسیس بیا تا که با هم به توران رویم به خارج رویم و به پایندگی بریزد دلار از زمین و هوا به سرمایه داری چو نان من شوی ز وبگاه «رستم یل سرزمین» به دنبال دلدار ایرانی ام بمانم همینجا در این کارزار کم زندگی را من از تو دریغ خرم جنس و کالای made in وطن نه از ساحل آنتالیا خرم که گیرم من از فالوور هام لایک ولی جنس ایران نه مال ونیز چرا که شده جامه ات خیس و تر به‌دور از جر جزارو جنجال گفت، که کالای تولید خارج خراست!

محمد رضا شکیبایی زارع

در نامه جمعی از دلسوزان مطرح شد

واگذاری قوه مجریه به صورت کترات

«آن زنبیل را پس بدهید به صاحبش!»

نیشگون: با سلام و اظهار فضل ابتدا باید بگویم نظرات و انتقادات ذیل فقط در حد پیشنهاد بوده؛ لذا امیدواریم این نظرات را با زبان خوش قبول کنید والا همه باهم به اعتراض خشک دست زده و کشور را به آرامش دعوت می‌کنیم.

راهکارهایی که به ذهن فعال و هوش سرشار مان رسیده به شرح ذیل می‌باشد:

۱. دولت فعلی دست ما را از مناصب کوتاه نموده، لذا ما عدالت‌طلبان، خواستار رفراندوم سریع و آزاد و با نظارت خود و خاندانمان می‌باشیم؛ باشد که دوباره بر مسند قدرت نشسته و از آنجا حال مخالفانمان را جویا شویم.
۲. از زمانی که فعالان دولتمان در رأس کار نبوده‌اند به میان مردم رفته و از وضعیت اقتصادی و معیشت خانوارها که در مضیقه می‌باشند مطلع شده‌ایم. لذا بر آن شدیم که از این موقعیت کمال سوء استفاده را برده و خواستار بر کناری تمامی وزیران فعلی و جایگزینی افرادی شایسته و فهییده‌ای مثل خودمان بر مسند قدرت هستیم زیرا این کار به اهداف عالی ما نزدیک‌تر می‌باشد.
۳. خواستار انحلال مجلس می‌باشیم چون دور ریختن پول و وقت است و برای این کار نیز پیشنهاد می‌کنیم کشور را با چند نفر از امثال ما که از همه بهتر و روشنفکرتر هستیم اداره کنید با این کار هم ما را به نان و نوایی رسانده‌اید و هم مردم را به آه و ناله‌ای!
۴. درخواست‌های دیگر نیز داریم که به دلیل اهمیت کمتر لیست وار خدمتتان می‌فرماییم:

الف- انحلال قوه قضاییه و قوه مقننه
ب- زندانی کردن افرادی که بعداً معرفی می‌کنیم و لیستشان در جیب رئیس دولت قبل است.
ج- واگذاری قوه مجریه به آن جناب به صورت کترات
د- پخش سخنرانی‌های اینجانبان به صورت مستقیم در صدا و سیما (ترجیحاً بین دو نیمه فوتبال لیگ برتر)
ه- آن زنبیل عزیزمان را به وی تحویل دهید
۵. ما قشر فهیمده و روشنفکر و برجسته با عقل کامل و بدون نقص خود به این نکته پی بردیم که فقط ما هستیم که اوضاع مملکت را دیده‌ایم بنابراین آستین‌های پلو خوری‌مان را بالا زده و منتظر تقسیم سبتم‌های مهم کشور خواهیم ماند. اتوبوس دم در است.

جمعی از مدیران قدیمی



عادل الجبیر، عربستان، آماده اعزام نیرو و به سوریه در قالب «اتلاف مبارزه با داعش» است!

ذکر جعبه الامال السعودی وَقَع فی القوطی

کمال نسخه‌هستی

«بانگی برآمد که موی مرا نیز نتوانی گرفت و آن بانگ اسد بود»

جوالدوز: آن در برابر خورشید چو نان لامپ. آن برای حقوق بشر آپشن جامپ، آن کریزی آن مجنون آن دامپ، پرزیدنت دونالد ترامپ جذقه الله من ارضه.

هنگام سخن صاحب بمب و موشک و هنگام عمل پوشیده پوشک، برای خودش یک پاسکندر ک، چنگیز ک، هیتلر ک و بوشک و بن سلمان و آل سعود را همواره بر دوشک.

در مقامات به آن غایت رسید که صبح گاه تهدید می‌نمود و عندالغروب غلط کردم می‌فرمود که لانسان دهان! اداوپنه گل بگیرند فکش را!

گویند چون ایران داعش را ترکاند و بر وادی فقدان نشانسان بانگ برآورد که من بودم و جمله جهان کف و سوت نمودند که نعم و ارواح پدرش را چنان خنده در گرفت که ساعتی از غم پس‌انداز این ولدنا خلف فارغ آمد و شهد حماقت در دهانش فائق آمد و گفت ای در روح پدرت!

در عهد ماضی، ایالات امریک را انتخاباتی عظیم در گرفت و حاربه الحاربین و مخترعه الداعشین، هالاری کلینتون وی را ملامت کرد که تو جنگ همی طلبی، دونالد را از این صفت چنان خروش در گرفت که با آن که رأی خلق، هالاری را رئیس جمهورید، کرامت فرمود و پرزیدنت شد که حکما گفته‌اند دمو کراسی ینگی دنیا، نسخه دمو کراسی است و این نسخه را هنوز به نسخ اصلی آپ‌گرید نفرمودند که به تسلیم از کمال نسخه هستی مشو غافل که این نسخه دمو باشد، گران است آپ‌گرید آن را!

گویند در بحر حیرت چنان مستغرق شده بود که ذهن و فراست در دیدگانش چون دود و عقل و خرد در جمجمه‌اش نابود، دست و پا همی‌زد که ناگاه جذبیه شاسکول السیاسین، رابین الارابین و خرمغز الاحمارین، اسحاق رابین نتانیاهاو، هوهو کنان چون جغد در وی فتاد و از سر انگشت عنایت، دست حماقت بر ژرفای طاقتش کشید و ترامپ که من خویشتن را مرید وی همی دید نعره بر کشید که: مگه می‌تونم تورو با کسی عوض کنم لنتنی صدام بزنی به یگو تا حظ کنم دیوونه دیوونه دیوونه آخ دیوونه!

شبی در حلقه مریدان به بلاد شام همی شد و موشک در خورچین درایت پنهان که شام گیریم و حزب الله بندیم و حماس بمالیم و ایران برداریم که بانگی برافشته صدا زد که موی مرا نیز نتوانی گرفت و آن بانگ اسد بود و جمله موشکان پوشکان بدریدند و سوی بیابان خزیدند که اذا رابنا الاسد، علینا موت کالجسد!!!



دیوار بلند ارز در مسیر اقتصاد خانوارها